

## The Spring Equinox in Makhzan al-Asrar (Line Explanation of the Ascension Letter)

Alireza Shanazari\*

Assistant Professor of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Yasouj University, Yasouj, Iran, alireza.shanazari17@gmail.com

### Abstract

Through storytelling, Nizami Ganjavi has a special place in Persian language and literature. Makhzan al-Asrar drew a lot of attention since Nizami Ganjavi era because of both its subject and its special language. Not only did many poets begin to welcome those quinarities but also, because of special figurative language of Nizami, many commentators began to explain it. Commentary on Makhzan al-Asrar and other Nizami's quinarities continued to exist up to the contemporary period. The point which could be considered the commentary damages both in the past and, to a large degree, in the contemporary eras is the inattention of commentators to other Nizami's works during explaining the line. If the commentator investigates and unravels the line with evidence of the poet himself, surely he will be more successful in his work. One of the basic and elegant points that commentators have simply overlooked is the spring equinox in which Nizami raised *The Ascension of the Prophet* and by applying the craft of poetical aetiology, the reason for the arrival of the Prophet to the Aries was known. In this article, as regards the analysis and investigation of the respected commentators of Makhzan al-Asrar about the first line of the following verse:

Wow, the night turned a wondrous spring day

Wow, the flower turned a wondrous riding cypress

I will explain Nizami's main purpose of this line, presenting the examples of the poets before and after Nizami.

**Keywords:** Nizami, Night, Day, Spring, Spring Equinox

---

\* Corresponding author

فصل‌نامه متن‌شناسی ادب فارسی (علمی- پژوهشی)

معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان

سال پنجاه و چهارم، دوره جدید، سال دهم

شماره سوم (پیاپی ۳۹)، پاییز ۱۳۹۷، صص ۹۵-۱۰۸

تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۱۲/۰۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۸/۰۶

## اعتدال بهاری در مخزن‌الاسرار (توضیح مصراعی از معراج‌نامه)

علیرضا شانظری\*

### چکیده

زبان متفاوت نظامی در مخزن‌الاسرار گاهی به دشواری و پیچیدگی سخن او می‌انجامد. به همین سبب از دیرباز شرح‌نویسی بر مخزن‌الاسرار رواج داشته است؛ اما متأسفانه بسیاری از این شرح‌ها گره‌گشا نیست؛ زیرا شرح‌کنندگان به زبان استعاری نظامی توجه نداشتند و یا حتی با این زبان آشنا نبودند؛ همچنین از آثار دیگر نظامی و آثار مشابه هم‌عصران یا شاعران گذشته در شرح متن استفاده نکرده‌اند.

اعتدال بهاری یکی از موضوعاتی است که شرح‌کنندگان به آن بی‌توجه بودند و نکته‌آسای و ظریف آن را دریافتند. نظامی این موضوع را در میان سخن‌گفتن از معراج پیامبر بیان کرده است. نگارنده در این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی، نظر شرح‌کنندگان مخزن‌الاسرار را درباره مصراع اول بیت زیر نقد و بررسی می‌کند:

شب شده روز اینت بهاری شگرف گل شده سرو اینت سواری شگرف

همچنین با بیان شاهد و مثال از نظامی و شاعران قبل و بعد از او، منظور اصلی شاعر از این مصراع تبیین می‌شود. نظامی با کاربرد آرایه حسن تعلیل، سبب اعتدال بهاری را ورود پیامبر<sup>(ص)</sup> به برج حمل می‌داند و آن را از بخشش‌های معراج رسول اکرم به شمار می‌آورد.

### واژه‌های کلیدی

نظامی، شب، روز، بهار، اعتدال بهاری

### مقدمه

الیاس بن یوسف متخلص به نظامی، شاعر بلندآوازه ایران در قرن ششم هجری است. نظامی گنجوی به سبب داستان‌سرایی جایگاه والایی در زبان و ادبیات فارسی دارد. در واقع شهرت نظامی در ادبیات فارسی در گرو

\* استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران (نویسنده مسؤول) alireza.shanazari17@gmail.com

داستان‌سرایی اوست. او در این زمینه طرحی نو درافکند؛ به گونه‌ای که بعد از او، داستان‌سرایان دیگر مستقیم یا غیرمستقیم از او تأثیر پذیرفتند؛ «زبان و بیان هنرمندانه نظامی و طرح سنجیده ماجراها و حوادث و توصیف اغراق‌آمیز صحنه‌ها و شخصیت‌ها، منظومه‌های نظامی را چنان مقبول طبع مخاطبان ساخت که پس از او در همه دوره‌های شعر کلاسیک به تقلید از او منظومه‌سرایی ادامه یافت» (پورنامداریان و موسوی، ۱۳۸۹: ۴).

نخستین و متفاوت‌ترین اثر نظامی مخزن‌الاسرار، منظومه‌ای سراسر حکمی، است. افزون‌بر موضوع این منظومه، زبان نظامی نیز در آن با بقیه آثارش متفاوت است. «آراستن سخن به تصاویر، اشکال خیالی و ایجاز، گاهی آنچنان سبب دشواری و پیچیدگی و رمزناکی در بیان او شده که این پیچیدگی و دشواری، نه تنها نوعی شیرینی و حلاوت خاص بر کام خوانندگان ابیاتش بخشیده، بر ارزش هنری آن نیز افزوده است» (قوجه‌نژاد، ۱۳۹۳: ۹۱). از علت‌های دیگر دشواری زبان نظامی این است که زبان فارسی دری، زبان مادری او نیست. «کسی که زبانی را به درس می‌آموزد، در کاربرد قواعد زبان بسیار بی‌پروا تر از اهل زبان عمل می‌کند؛ چون طبق قاعده، انواع ترکیباتی را که قاعده‌پذیر باشد، می‌سازد و به ساختار نحوی کلام و حد مقبول ایجاز چندان توجهی ندارد. این سخن پیچیده وقتی بنابر پسند فاضلان اهل عصر با انواعی از اصطلاحات و اطلاعات علوم مختلف هم می‌آمیزد، دشواریش دوچندان می‌شود» (پورنامداریان و موسوی، ۱۳۸۹: ۷). درباره خاقانی نیز دوزبانه بودن به او در ساخت ترکیبات نو کمک کرده است. «ساختن واژه‌های مرکبی که تنها در شعر خاقانی دیده می‌شود و براساس قواعد دستور زبان فارسی ساخته شده‌اند، نتیجه دوزبانگی شاعری است که دستور زبان فارسی را خوب می‌داند؛ ولی با اهل خانه و مردم کوچه و بازار به این زبان سخن نمی‌گوید» (فضیلت، ۱۳۸۸: ۱۶۷).

مخزن‌الاسرار به سبب موضوع و زبان ویژه‌اش از همان عصر نظامی توجه افراد بیشماری را برانگیخت. شاعران بسیاری در جواب یا به استقبال از آن، منظومه‌ها سرودند و حتی به سبب زبان استعاری ویژه نظامی، افراد بسیاری نیز به شرح آن روی آوردند. شرح‌نویسی بر مخزن‌الاسرار و منظومه‌های دیگر نظامی در دوره معاصر نیز ادامه یافت. علیرضا قوجه‌نژاد در مقاله «شروع مخزن‌الاسرار»، بیست و دو شرح شناخته‌شده و ناشناخته مخزن‌الاسرار را معرفی می‌کند. نکته مهم در این مقاله این است که بیشتر این شرح‌ها در خارج از ایران، بیشتر در هند و پاکستان، نوشته شده است و نسخه‌های خطی آن نیز در کتابخانه‌های همان کشورها نگهداری می‌شود.

نکته مهم درباره آثار ادبی، وجود متن ویراسته از این آثار است. درحقیقت تازمانی که متن ویراسته و منقحی در دست نباشد، پژوهش‌های دیگر نیز ارزشی نخواهد داشت. خوشبختانه درباره آثار نظامی به سبب همت بسیار وحید دستگردی، نبود متن ویراسته احساس نمی‌شود. وحید دستگردی نخستین کسی است که به صورت علمی *خمسه نظامی* را تصحیح کرد. به باور بسیاری از محققان، کار او هنوز نیز معتبر است و بر بسیاری از چاپ‌های بعد از خود برتری دارد. وحید دستگردی افزون‌بر تصحیح، در پانویس‌ها برخی از دشواری‌های *خمسه نظامی* را توضیح داده است.

پس از وحید دستگردی، افراد بسیاری به تصحیح یا تحقیق درباره آثار نظامی و شرح مخزن‌الاسرار پرداختند که از بین آنها، برات زنجانی و بهروز ثروتیان معروف‌ترند.

از جمله آسیب‌های شرح‌نویسی که هم در گذشته و هم بسیار در شرح‌های معاصران دیده می‌شود، توجه‌نداشتن شرح‌کنندگان به آثار دیگر نظامی در شرح مصراع یا بیتی از شاعر است. اگر شارح، بیت یا مصراع را با بیان شواهدی از خود شاعر بررسی و گره‌گشایی کند، بی‌تردید در کار خود توفیق بیشتری خواهد داشت.

توجه‌نداشتن به زبان استعاری نظامی و یا حتی ناآشنایی با این زبان، کمک‌نگرفتن از آثار دیگر نظامی و آثار مشابه

هم‌عصران یا شاعران گذشته برای شرح متن از جمله آسیب‌های آشکار در شرح‌های مخزن‌الاسرار است. به سبب دشواری زبان نظامی «غالب شروح مخزن‌الاسرار، چه قدیمی و چه معاصر یا به شرح و توضیح ابیات دشوار پرداخته‌اند یا به معنی نه‌چندان دقیق یکی‌دو کلمه قناعت کرده‌اند... و یا مثل غالب گزیده‌ها ابیات دشوار را حذف کرده‌اند» (پورنامداریان و موسوی، ۱۳۸۹: ۷).

به سبب اینکه دربارهٔ آسیب‌شناسی شرح‌نویسی بر متون، مقالات و پایان‌نامه‌های بسیاری نوشته شده است<sup>۱</sup>، در این زمینه توضیح بیشتری ارائه نمی‌شود.

### بیان مسأله

در مخزن‌الاسرار در بین ابیات معراج پیامبر<sup>(ص)</sup> بیتی است که دو نویسه یا ضبط متفاوت دارد:

(الف)

شب شده روز اینت بهاری شگرف      گل شده سرو اینت سواری شگرف

(ب)

شب شده روز اینت نهاری شگرف      گل شده سرو اینت بهاری شگرف

با وجود این اختلاف، کمابیش شرحی یکسان از مصراع اول در همهٔ شرح‌های مخزن‌الاسرار دیده می‌شود. ابتدا باید برپایهٔ معیارهای نسخه‌شناسی و تصحیح متن مشخص شود کدام نویسه به سخن نظامی نزدیک‌تر است؛ سپس به‌طور دقیق مصراع اول شرح شود. نکته‌سنجی و باریک‌بینی نظامی بر همگان آشکار است؛ بنابراین هدف او در مصراع اول فقط این نیست که بگوید شب هم مثل روز روشن شده است! حال آنکه شب معراج پیامبر به اندازه‌ای نورانی است که از روزهای عادی نیز روشن‌تر است. پس با نگاهی دقیق‌تر منظور اصلی نظامی از مصراع اول آشکار خواهد شد.

### پیشینه تحقیق

دربارهٔ این بیت از مخزن‌الاسرار تاکنون پژوهش مستقلی انجام نشده است؛ اما دربارهٔ بیت‌های دیگر نظامی، مقاله‌هایی نوشته شده است که در ادامه به‌طور کوتاه معرفی می‌شود.

مقاله «تحلیل ارتباط سنبله و اسد در بیتی از نظامی» که در توضیح بیت زیر نوشته شده است:

خوشه کز او خوشهٔ تر ساخته      سنبله را بر اسد انداخته

نویسندهٔ مقاله افزون بر بررسی شرح‌های این بیت در منابع مختلف، سرانجام با توجه به اطلاعات و باورهای نجومی قدیم و با کمک گرفتن از بیت‌های دیگر نظامی و خاقانی، بیت را این‌گونه معنا می‌کند: برج خوشه که سنبله خود را از پیامبر<sup>(ص)</sup> دریافت کرده، به اندازه‌ای قدرت یافته است که عوا<sup>۲</sup> (= سماک اعزل) را به سوی شیر (که در حالت عادی از سگ قوی‌تر است) حمله‌ور می‌کند (حیدری، ۱۳۹۲: ۸). نکتهٔ دیگر اینکه نویسنده با جستجو در فرهنگ‌هایی مانند غیاث‌اللغات، انداخته را به حمله‌ورکردن و دستور حمله را صادرکردن معنا کرده است.

مقاله «طرح چند بیت قابل تأمل از مخزن‌الاسرار نظامی» با نقد و بررسی شش بیت از مخزن‌الاسرار معنای تازه‌ای از آنها ارائه می‌کند؛ برای مثال در نقد بیت:

زلف زمین در بر عالم فکند      خال عصبی بر رخ آدم فکند

پس از تحلیل شرح‌های وحید دستگردی و برات زنجانی می‌نویسد: زلف زمین اضافهٔ تشبیهی است؛ یعنی زمین به زلفی مانند شده است که به بر و دوش (زیباروی) عالم می‌ریزد. پس عالم بدون زمین مانند عروسی بی‌زلف است

(انزایی نژاد، ۱۳۷۱: ۴).

مقاله دیگر، پژوهش «جان بری کردن در شعر نظامی» است که در معنای ترکیب «جان بری کردن» در بیت زیر از هفت پیکر نوشته شده است:

وای بر جان تو که بد گوهری جان بری کرده‌ای و جان بری

نویسنده در این مقاله با نپذیرفتن معنای «رهزن جان دیگری شدن و برای هلاک دیگران اقدام کردن»،<sup>۲</sup> توضیح می‌دهد جان بری کردن مترادف جان بردن و به معنای نجات یافتن و زنده ماندن است (فیروزنیا، ۱۳۹۵: ۱۹).

مقاله «نقد و تحلیل محتوایی شرح‌های مخزن الاسرار» که نویسنده در آن افزون بر نقد شرح برخی از ابیات مخزن الاسرار، معنای منظور خود را در پایان بیان می‌کند. نویسنده این مقاله معتقد است اختلاف نسخه‌ها و تصحیح متفاوت شارحان، همچنین تلفظ متفاوت یک واژه از شارحان و اختلاف نظر آنان در ساده یا مرکب بودن واژه، سبب ارائه معانی گوناگون شده است؛ برای مثال تلفظ متفاوت واژه در بیت زیر دو معنی مختلف می‌آفریند:

چون ز پی دانه هوس‌ناک شد مقطع این مزرعه خاک شد

مقطع در معنای طی طریق‌کننده و مقطع به معنی اقطاع‌دار و تیول‌دار به کار رفته است (نوروزی، ۱۳۸۷: ۴). بهروز ثروتیان (۱۳۵۱) در مقاله «بررسی حواشی مرحوم وحید دستگردی بر مخزن الاسرار» این حواشی را نقد و تحلیل می‌کند.

بنابراین تاکنون در هیچ مقاله‌ای به بیت منظور اشاره نشده است؛ فقط در منابع زیر معنای متفاوت بیت دیده می‌شود: مخزن الاسرار نظامی، تصحیح و حاشیه از وحید دستگردی، احوال، آثار و شرح مخزن الاسرار از برات زنجانی، مثنوی مخزن الاسرار (نسخه کامل به همراه شرح و تصحیح) از ناصر نیکوبخت، پرده سحر سحری (گزیده مخزن الاسرار) از انزایی نژاد، آیین غیب نظامی گنجوی در مثنوی مخزن الاسرار از بهروز ثروتیان، سرخ‌گلی غنچه‌مثال (گزیده مخزن الاسرار) از مرتضی میرهاشمی، گزیده مخزن الاسرار از مهدی ماحوزی، گزیده مخزن الاسرار نظامی (مقدمه، تصحیح و تعلیقات) از تقی پورنامداریان و مصطفی موسوی.

#### روش تحقیق

در این جستار جمع‌آوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای انجام شده است. روش پژوهش نیز توصیفی - تحلیلی است که با نقد و تحلیل نظر شرح‌کنندگان و توصیف اعتدال در شعر نظامی و شاعران دیگر نظر و نتیجه نهایی ارائه می‌شود.

#### نقد و تحلیل نظر شرح‌کنندگان درباره مصراع منظور

قبل از پرداختن به نظر شرح‌کنندگان، ابیات قبل از بیت منظور بیان می‌شود:

یوسف دلوی شده چون آفتاب	یونس حوتی شده چون دلو آب
تا به حمل تخت ثریا زده	لشکر گل خیمه به صحرا زده
از گل آن روضه باغ رفیع	ربیع زمین یافته رنگ ربیع
عشر ادب خوانده ز سبع سما	عذر قدم خواسته از انبیا
ستر کواکب قدمش می‌درید	سفت ملایک علمش می‌کشید

ناف شب آکنده ز مشک لبش      نعل مه افکنده سُم مرکبش  
 در شب تاریک بدان اتفاق      برق شده پویه پای براق  
 کبک‌وش آن باز کبوتر نمای      فاخته‌رو گشته به فرهمای  
 سدره شده صدره پیراهنش      عرش گریبان زده در دامنش  
 شب شده روز اینت بهاری شگرف      گل شده سرو اینت بهاری شگرف  
 (نظامی گنجوی، ۱۳۷۹: ۱۵ - ۱۶)

البته بیت‌های بالا بر پایه تصحیح وحید دستگردی است و در این تصحیح بین بیتی که به ورود پیامبر<sup>(ص)</sup> به برج حمل اشاره دارد و بیت منظور فاصله افتاده است. اگر بیت‌های قبلی بر پایه تصحیح زنجانی و پورنامداریان - موسوی بررسی شود، به مفهوم منظور نگارنده نزدیک‌تر خواهد بود:

یوسف دلوی شده چون آفتاب      یونس حوتی شده ز آن دلو آب  
 تاب به حمل تخت ثریا زده      لشکر گل خیمه به صحرا زده  
 از گل آن روضه باغ رفیع      ربیع زمین یافته رنگ ربیع  
 شب شده روز اینت بهاری شگرف      گل شده سرو اینت سواری شگرف

(زنجانی، ۱۳۸۴: ۱۸۰ - ۱۸۱)؛ (پورنامداریان و موسوی، ۱۳۸۹: ۴۳)

پیشتر بیان شد که دو نویسه یا ضبط از مصراع منظور وجود دارد (ر.ک: ۱-۱ همین مقاله). نویسه «الف» در شرح زنجانی، ثروتیان، گزیده مخزن الاسرار از پورنامداریان و موسوی و گزیده انزابی‌نژاد دیده می‌شود. تصحیح وحید دستگردی و به پیرو آن گزیده‌های نیکوبخت، میرهاشمی، ماحوزی نیز نویسه «ب» را برگزیده‌اند.

متأسفانه هیچ‌یک از مصححان مخزن الاسرار به نسخه‌های خطی استفاده‌شده اشاره‌ای نکرده‌اند. این مسئله کار را برای پژوهشگر دشوار می‌کند؛ زیرا مشخص نیست مصحح بر پایه کدام استدلال نویسه‌ای را پذیرفته یا رد کرده است. از سوی دیگر روش تصحیح (انتقادی، التقاطی و...) نیز آشکار نیست.

به نظر نگارنده باتوجه به دخالت‌های کاتبان در نسخه‌های خطی در سده‌های گذشته، در مصراع اول تصحیف رخ داده است. تصحیف یکی از انواع تصرفات کاتبان است که در تعریف آن چنین آمده است: شباهت و ماندگی در حروف خط و نیز نقص خط از عواملی است که به نوعی از تصرف ناآگاهانه کاتبان دامن زده است که اهل فن از آن با نام «تصحیف و تحریف» یاد می‌کنند. تصحیف عبارت است از تغییر کلمه با کاستن و افزودن نقطه‌های آن و تحریف تبدیل کردن کلمه است با تغییر حرفی از حرف‌های آن (مایل هروی، ۱۳۶۹: ۸۱ - ۸۰). مشهورترین مثال در این زمینه شعری از سعدی است که از زبان درویشی بیان شده است:

مرا بوسه گفتا به تصحیف ده      که درویش را توشه از بوسه به  
 (سعدی، ۱۳۹۲: ۶۹)

در مصراع اول از بیت منظور چه‌بسا در ابتدا همان «بهار» سخن شاعر بوده است؛ اما گویا باتوجه به نزدیکی معنایی کلمه بهار با کلمه روز و تضادش با کلمه شب، کاتب نسخه کلمه بهار را به بهار تبدیل و تصحیف کرده است. نکته دیگر آنکه نویسه «بهار» در نخستین تصحیح مخزن الاسرار از وحید دستگردی دیده می‌شود و در تصحیح‌های بعدی که بی‌تردید مصححان به نسخه‌های بیشتری دسترسی داشته‌اند، ضبط «بهار» نویسه اصلی در متن شده است (ر.ک: زنجانی،

(۱۳۸۴: ۱۸۱)؛ (پورنامداریان و موسوی، ۱۳۸۹: ۴۳)

مسئله دیگر که در برگزیدن «بهار» در جایگاه نویسه اصلی کمک می‌کند، این است که با ژرف‌نگری و جستجو در آثار نظامی، کلمه «نهار» دیده نشد؛<sup>۳</sup> یعنی نظامی در آثار خود از این کلمه استفاده نکرده است. پس باید پذیرفت نویسه «بهار» به سخن نظامی نزدیک‌تر است.

در ادامه نظر شرح‌کنندگان در شرح مصراع اول بررسی می‌شود.<sup>۴</sup> باتوجه‌به پیشی‌داشتن و برتری، ابتدا نظر وحید دستگردی تحلیل می‌شود. وحید دستگردی می‌نویسد: وجود او (پیامبر<sup>ص</sup>) شب را روز و نهار شگرف کرد (نظامی گنجوی، ۱۳۷۹: ۱۶). واژه وجود کلمه‌ای کلی است که معنای روشنی از آن برنمی‌آید. همان‌طورکه در شرح مصراع دوم هم نوشته است: گل وجود او سرو شد که همیشه سرسبز است. در مصراع اول نیز توضیح نداده است که چگونه وجود پیامبر<sup>ص</sup> شب را به روز شگرفی تبدیل کرده است؟ و یا به بیان دیگر چه وجه شبهی وجود دارد؟ نیکویخت در شرح مصراع اول می‌گوید: با ورود پیامبر به برج حمل، شب مانند روز روشن شد و چه روز شگرفی! (نظامی گنجوی، ۱۳۸۶: ۴۳). نیکویخت وجه شبه را (در تشبیه شب به روز) روشنایی دانسته است و مصراع دوم را مانند وحید دستگردی معنی می‌کند.

میرهاشمی در شرح مصراع اول چنین می‌نویسد: شب معراج به برکت وجود پیامبر، روز و پرفروغ گشته بود. به‌به این روز بزرگ! (میرهاشمی، ۱۳۹۳: ۱۴۷). این شرح همان توضیح وحید دستگردی است؛ یعنی میرهاشمی نیز کلمه کلی و مبهم وجود را بیان کرده است و وجه شبه را فروغ روز می‌داند.

ماحوزی از پیروان نویسه «ب» و دنباله‌رو وحید دستگردی است. او نیز در شرح مصراع اول می‌نویسد: آفتاب وجود مقدس رسول اکرم در شب معراج، آن را به روزی بس تابان و درخشان تبدیل کرده است؛ و چه فرخنده روزی و چه خجسته شب گیتی افروزی! (ماحوزی، ۱۳۷۴: ۱۰۶). این شرح همان بیان وحید دستگردی با توضیحی اضافی است که در شرح مصراع دوم نیز دیده می‌شود.

بنابراین طرفداران نویسه «ب» همگی بر کلمه کلی «وجود پیامبر» و «شبهت شب به روز از نظر روشنایی» تأکید دارند. نکته دیگر آن است که اگر با ورود پیامبر<sup>ص</sup> به برج حمل، شب تاریک مثل روز روشن شده است، پس چرا نظامی در بیت‌های بعدی بر تاریکی شب تأکید می‌کند؟

شب شده روز اینت بهاری شگرف	گل شده سرو اینت سواری شگرف
ز آن گل و آن نرگس کآن باغ داشت	نرگس او سرمه مازاغ داشت
عشر ادب خوانده ز سبع سما	عذر قدم خواسته از انبیا
ستر کواکب قدمش می‌درید	سفت ملایک علمش می‌کشید
ناف شب آکنده ز مشک لیش	نعل مه افکنده سُم مرکبش
در شب تاریک بدان اتفاق	برق شده پویه پای براق

(زنجانی، ۱۳۸۴: ۱۸۰ - ۱۸۱)

از بین طرفداران نویسه «الف» تنها پورنامداریان و موسوی این مصراع را شرح کرده‌اند. برات زنجانی فقط، کلمات «این» (این تو را، زهی، به‌به) و «شگرف» (زیبا، عجیب) را معنی کرده و از شرح و معنای بیت چشم پوشیده است (زنجانی، ۱۳۸۴: ۸۱). ثروتیان<sup>۵</sup> و انزایی‌نژاد نیز این بیت را معنی نکرده‌اند. پورنامداریان و موسوی در شرح مصراع اول

می‌نویسند: شب معراج پیامبر مانند روز، روشن (از یمن خورشید وجود او در برج حمل و بلندی و ارزش این شب) و مثل بهار، خرم و رنگارنگ شده است. شگفتا از این بهار نیکو و زیبا! (پورنامداریان و موسوی، ۱۳۸۹: ۱۳۸). تنها تفاوت این شرح با بقیه در این است که به مناسبت کلمه بهار (به جای نهار در شرح‌های دیگر) افزون‌بر تشبیه شب به روز، شب در خرمی و رنگارنگی به بهار نیز تشبیه شده است. در واقع به گمان شرح‌کنندگان، نظامی تشبیه جمع به کار برده؛ یعنی یک‌بار شب را به روز و بار دیگر به بهار مانند کرده است. حال آنکه در مصرع اول هرگز چنین تشبیهی دیده نمی‌شود؛ پس این معنی نیز چیزی از ظرافت سخن نظامی آشکار نمی‌کند.

### شرح مصرع اول با نگاهی دیگر

شب شده روز اینت بهاری شگرف گل شده سرو اینت سواری شگرف<sup>۱</sup>

«بهار» در مصرع اول کلمه‌ای اصلی است. حال اگر گفته شود شب مانند روز روشن شده است، این روشنایی تفاوتی ندارد که در بهار یا در زمستان باشد. نکته مهم دیگر این است که شب معراج پیامبر شبی معمولی نیست که در روشنایی به روز مانند شود؛ این شب به اندازه‌ای مهم است که سیاره زهره برای سنجش اهمیت آن ترازو به دست ایستاده است:

تا شب او را چه قدر قدر هست زهره شب سنج ترازو به دست

نظامی همچنین این شب را معطر و عنبرین خوانده است؛ پس دیگر نیازی نیست که مانند شرح پورنامداریان و موسوی (همان) این شب را به بهار تشبیه کند:

گوهر شب را به شب عنبرین گاو فلک برد ز گاو زمین

نظامی باز در بیتی دیگر سبب معطر بودن این شب را لب مشک‌آگین پیامبر می‌داند:

ناف شب آکنده ز مشک لبش نعل مه افکنده سُم مرکبش

(نظامی گنجوی، ۱۳۷۹: ۱۵)

پس باید در پی نکته گم‌شده و به غفلت سپرده‌شده در این بیت بود و آن کلمه بهار است. باید دید کلمه بهار چگونه وجه جامع شب و روز می‌شود؟ به بیان دیگر شب و روز چه ارتباطی با بهار دارند؟ تنها ارتباط شب و روز با بهار در اعتدال بهاری است. این مسئله یعنی اعتدال بهاری یا ربیعی وقتی اتفاق می‌افتد که خورشید در برج حمل قرار می‌گیرد. ابوریحان بیرونی در *التفهیم* می‌گوید: «چون آفتاب به سر حمل بود یا به سر میزان، برآمدنش برابر خط اعتدال بود. چون او را میل به شمال باشد، برآمدنش و فروشدنش برابر دو نقطه بود از افق که اندر نیمه شمالی او بوند بر دو سر خطی موازی مر خط اعتدال را و هر روزی از وی دورتر همی‌شوند تا آفتاب به سر سرطان رسد آنکه برآمدن او را مشرق‌الصیف خوانند آی آن تابستان» (بیرونی، ۱۳۱۸: ۱۷۵). همچنین در *آثارالباقیه* می‌نویسد: «آغازگاه سال ایشان (ایرانیان) از هنگام آفرینش نخستین انسان است و این که آن روز «هرمزد»<sup>۲</sup> از ماه فروردین بوده که آفتاب در نقطه اعتدال بهاری به میانه آسمان است» (بیرونی، ۱۳۹۲: ۵۸). به بیان ساده‌تر دو نقطه تقاطع دایره البروج با معدل‌النهار را اعتدالین می‌گویند. نقطه اول را اعتدال ربیعی می‌خوانند که خورشید در حرکت ظاهری خود، از جنوب به سمت شمال، به آنجا می‌رسد و نقطه دوم را اعتدال خریفی می‌نامند که خورشید پس از شش ماه گردش در مدار ظاهری خود، از شمال به سمت جنوب، به آنجا می‌رسد (ماهیار، ۱۳۸۲: ۲۱۴). پس اعتدال بهاری هم‌زمان با ورود خورشید به برج حمل



یعنی اول فروردین است:

زیرا که سید همه سیاره اندر حمل به عدل توانا شد

(ناصر خسرو، ۱۳۷۰: ۳۴۰)

خاقانی نیز به اعتدال بهاری هم‌زمان با ورود خورشید به برج حمل اشاره کرده است:

یعنی که قرص خورشید از حوت در حمل شد کرد اعتدال بر وی بیت الشرف مقرر

(خاقانی شروانی، ۱۳۷۴: ۱۹۱)

ابوریحان بیرونی دربارهٔ برابری شب و روز در هنگام اعتدال، چه ربیعی و چه پاییزی، می‌نویسد: «آنگاه که شهر را از خط استوا دوری افتد، قطب شمال از افق، بلندی گیرد به اندازهٔ عرض بلد و چون افق بر قطب نگذرد جز معدل‌النهار به دو نیم نکند؛ زیرا که هر دو دایرهٔ بزرگ اند و زین جهت روز و شب به همه شهرهای معموره راست شوند چون آفتاب به سر حمل و میزان رسد؛ زیرا که آن هنگام بر معدل‌النهار گردد به همه شهرها» (بیرونی، ۱۳۱۸: ۱۷۵ - ۱۷۶).

ناصر خسرو می‌گوید:

چون به نقطه‌ی اعتدالی راست گردد روز و شب روزگار این عالم فرتوت را برنا کند

(ناصر خسرو، ۱۳۷۰: ۳۸۸)

در مصراع منظور، صحبت دربارهٔ ورود پیامبر به برج حمل است که اعتدال بهاری نتیجهٔ این رخداد مبارک است. در واقع نظامی با کاربرد آرایهٔ حسن تعلیل، اعتدال بهاری را نتیجهٔ ورود پیامبر به برج حمل می‌داند.

برای بررسی و شرح اشعار یک شاعر، آثار دیگر او و شاعران هم‌عصر او راهگشاست. «یکی از عوامل مؤثر در شرح هر متن، عوامل بینامتنی است که آن را در دو سطح «آثار همان مؤلف یا شاعر» و «آثار مشابه هم‌عصران و گذشتگان» می‌توان طرح کرد. آگاهی از دیگر آثار و تألیفات مؤلف و نیز آشنایی با دیگر آثار هم‌عصر یا پیش از آن سبب می‌شود که شارح در مراحل مختلف شرح‌نویسی بتواند با استفاده از موارد مشابه در دیگر متون به رفع مشکلات و پیچیدگی‌های متن بپردازد» (همتیان و مشاوری، ۱۳۹۳: ۳۷). همان‌گونه که علی حیدری در شرح و تحلیل بیت مخزن‌الاسرار:

خوشه کز او خوشهٔ تر ساخته سنبله را بر اسد انداخته

از بیتی مشابه همین بیت در لیلی و مجنون نظامی بهره برده است:

عوا ز سماک هیچ شمشیر تازی سگ خویش رانده بر شیر

(حیدری، ۱۳۹۲: ۸)

بنابراین باید در پی شاهد و مثالی از خود نظامی بود. با بررسی خمسهٔ نظامی بیت زیر از هفت پیکر یافت می‌شود:

اعتدال هوای نـوروزی راسترو شد به عالم افروزی

(نظامی، ۱۳۸۹: ۳۱۶)

راسترو در بیت نظامی به‌طور دقیق در معنی اعتدال و یکسان‌شدن طول شب و روز به کار رفته است. پس این بیت نشان می‌دهد نظامی در آثار دیگر خود نیز به مسئلهٔ اعتدال توجه دارد. البته نظامی در بیت‌های قبلیش به ورود خورشید به برج حمل هم اشاره کرده است:

چون به تلیث مشتری و زحل شاه انجم ز حوت شد به حمل

(همان: ۳۱۵)

بیت بالا به اعتدال بهاری با ورود آفتاب به برج حمل اشاره می‌کند.

همان‌گونه که گفته شد در شرح متن، از آثار مشابه هم‌عصران نیز می‌توان بهره برد. در این زمینه از خاقانی، شاعر معاصر نظامی کمک گرفته می‌شود:

در بخشش حُسن آن رخ و زلفی که تُراست      یک قسم فتاندند چنان کایزد خواست  
حُسن تو بهارست و شب و روز آراست      قسم شب و روز در بهار آید راست  
(خاقانی شروانی، ۱۳۷۴: ۷۰۹)

خاقانی در این رباعی می‌گوید چهره (روز) و زلف (شب) معشوق به‌طور یکسان باعث زیبایی او هستند؛ همان‌گونه که در بهار، شب و روز یکسان هستند. پس وجه شبه در بیت خاقانی، افزون بر تاریکی و روشنایی، برابری است.

مسئله دیگر این است که نظامی با ورود پیامبر به هر برجی، صفات یا ویژگی‌های متناسب با همان برج را بیان می‌کند؛ مثلاً در بیت زیر با وارد شدن پیامبر به برج‌های کمان و جدی می‌گوید:

چون ز کمان تیرشکر زخمه ریخت      زهر ز بزغاله خوانش گریخت

باید در نظر داشت که برج کمان، خانه سیاره تیر یا عطارد و برج جدی خانه سیاره کیوان یا زحل است و زهری که نظامی از آن سخن می‌گوید به سبب نحس بودن سیاره زحل است که با قدم پیامبر این زهر از بین رفته است.<sup>۸</sup> پس با ورود پیامبر به برج حمل نیز باید صفات متناسب با برج حمل بیان شود؛ نظامی یکی از آنها را به این صورت بیان کرده است:

تا به حمل تخت ثریا زده      لشکر گل خیمه به صحرا زده

این بیت به یکی از پایه‌های ثریا اشاره دارد که در برج حمل است. «چون سه ربع ثریا در برج ثور و یک ربع در برج حمل است، او را به تخت چهارپایه تشبیه کرده» است (نظامی گنجوی، ۱۳۷۹: ۱۵).

ویژگی دیگر برج حمل در مصرع منظور، اعتدال بهاری است که هم‌زمان با ورود خورشید به برج حمل روی می‌دهد. از سوی دیگر در اعتدالی که هم‌زمان با ورود خورشید به برج حمل رخ می‌دهد، خورشید به بیت شرف خود نیز می‌رسد؛ زیرا «شرف خورشید در برج حمل است و درآمدن خورشید به برج حمل، رسیدن آن به نقطه اعتدال ربیعی و حلول در بیت شرف خویش است» (ماهیار، ۱۳۸۲: ۲۱۴).

مسئله دیگر در ارتباط با کل بیت منظور این است که نظامی افزون بر اعتدال (در معنای برابری شب و روز) به گونه‌ای به اعتدال هوا نیز توجه داشته است؛ زیرا می‌گوید گل همچون سرو شده است؛ یعنی در نتیجه اعتدال و لطافت هوا که آن نیز به سبب ورود پیامبر<sup>(ص)</sup> به برج حمل است، عمر کوتاه گل مانند سرو طولانی شده است.<sup>۹</sup> این گونه ارتباط بین دو مصرع بیشتر نمایان می‌شود. نکته دیگر این است که نظامی، معراج پیامبر را از برج ثور (دومین برج و برابر با اردیبهشت) شروع می‌کند:

گوهر شب را به شب عنبرین      گاو فلک برد ز گاو زمین

(نظامی گنجوی، ۱۳۷۹: ۱۴)

و با برج حمل به پایان می‌رساند:

تا به حمل تخت ثریا زده      لشکر گل خیمه به صحرا زده

(همان)

پورنامداریان و موسوی بدون بیان علت ویژه‌ای در این باره می‌نویسند: باید توجه داشت نخستین برجی که نظامی در ارتباط با معراج از آن سخن به میان می‌آورد، به مناسبت کلام، برج ثور است و بعد از آن به ترتیب از برج‌های دیگر یاد می‌کند (پورنامداریان و موسوی، ۱۳۸۹: ۱۳۷). به نظر نگارنده علت این است که نظامی می‌کوشد اعتدال بهاری را نتیجه و حاصل معراج پیامبر معرفی کند؛ اما اگر با برج حمل شروع کرده بود و به برج حوت پایان می‌داد، چنین نتیجه‌ای به دست نمی‌آمد. البته اکنون نیز نظامی معراج پیامبر را با اعتدال (برج ثور) شروع کرده و با اعتدال به پایان آورده است؛ اما نکته‌ای مانع از پذیرفتن قطعی این نظر می‌شود و آن اینکه در شواهد شاعران، به‌طور کلی بر اعتدال بهاری در برج حمل (فروردین) و اعتدال خزانگی در برج میزان (مهر) تأکید شده است. ابوریحان بیرونی نیز به اعتدال بهاری در برج حمل اشاره دارد.

### شواهدی از اعتدال بهاری و خزانگی در شعر شاعران قبل و بعد از نظامی

شاعران در موضوع اعتدال هم به برابری شب و روز و هم به معتدل بودن هوا در اول بهار و اول پاییز اشاره داشته‌اند.

#### برابری شب و روز

در بین شاعران قبل از نظامی، ناصر خسرو و مسعود سعد بیش از بقیه به اعتدال توجه دارند. ناصر خسرو افزون بر اعتدال بهاری به اعتدال خزانگی نیز پرداخته است:

نوروز به از مهرگان اگر چه هر دو دو زمانند اعتدالی

(ناصر خسرو، ۱۳۷۰: ۴۶۶)

مسعود سعد به اعتدال بهاری توجه کرده است:

جهان نگر ملکا تا چگونه شعبده کرد به اعتدال شب و روز را نهاده قرار

نگارگر فلک‌جادوی بهار آرای بهاری آورد اینک چو صد هزار نگار

(مسعود سعد، ۱۳۶۴، ج ۱: ۲۱۷)

هرچند در بیت زیر معلوم نیست کدام اعتدال منظور است:

همه هوای من آن است کاین سپهر دو تا به اعتدال شب و روز را کند یکسان

(همان: ۵۶۷)

خاقانی در بیت زیر به اعتدال خزانگی نیز توجه دارد:

چون زر سرخ سپهر سوی ترازو رسید راست برابر بداشت پله لیل و نهار

(خاقانی شروانی، ۱۳۷۴: ۱۸۳)

#### اعتدال هوا

انوری درباره اعتدال هوا در بهار می‌گوید:

ز اعتدال بهار خاطر تو بوسستان کمال بشکفته

(انوری ابیوردی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۷۱۶)

باد را جور دی چو عدل بهار  
رنگ فرسای مشک‌سای آرد  
(همان: ۵۹۱)

وحشی بافقی دربارهٔ اعتدال هوا در خزان می‌گوید:

ابرست و اعتدال هوای خزانی است  
ساقی بیا که وقت می‌ارغوانی است  
(وحشی بافقی، ۱۳۳۹: ۲۱)

سلمان ساوجی نیز دربارهٔ اعتدال هوا چنین می‌سراید:

ز اعتدال نوبهار گلشن‌ت در مهرگان  
می‌دماند خیری از خارا و گلبرگ از خشک<sup>۱</sup>  
(سلمان ساوجی، ۱۳۳۶: ۵۴۶)

### سرانجام معنا و مفهوم بیت

پیامبر پس از پیمودن برج‌های زمستانی سرانجام به برج حمل وارد می‌شود. نتیجهٔ این رخداد فرخنده، افزون‌بر شکوفایی گل‌ها و بهاری‌شدن زمین:

تا به حمل تخت ثریا زده  
لشکر گل خیمه به صحرا زده  
از گل آن روضهٔ باغ رفیع  
ربیع زمین یافته رنگ ربیع

فرارسیدن اعتدال بهاری و برابری طول شب و روز است. آفرین به این بهار زیبا! (عجب طرفه بهاری):

شب شده روز اینت بهاری شگرف  
گل شده سرو اینت سواری شگرف

در نتیجهٔ اعتدال بهاری (برابری شب و روز)، هوا نیز معتدل شده است؛ به گونه‌ای که گل با عمر کوتاهش اکنون مانند سرو عمری طولانی یافته است. پس باید گفت نظامی در این بیت به هر دو مفهوم اعتدال (برابری شب و روز، اعتدال و لطافت هوا) توجه داشته است.

### نتیجه‌گیری

بیت

شب شده روز اینت بهاری شگرف  
گل شده سرو اینت سواری شگرف

در توصیف و تأثیر ورود پیامبر به برج حمل است؛ همچنین کلمهٔ کلیدی بهار ارتباط بین شب و روز را برقرار می‌کند؛ بنابراین منظور اصلی نظامی، اعتدال بهاری و برابری شب و روز است که هم‌زمان با ورود خورشید به برج حمل رخ می‌دهد. ارتباط این مصراع با مصراع دوم در اعتدال هوای بهاری است که این نیز باز به سبب ورود پیامبر به برج حمل اتفاق افتاده و باعث طولانی‌شدن عمر گل شده است. سرانجام باید گفت نظامی به سبب اینکه رهاورد سفر روحانی پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> را اعتدال بهاری معرفی کند، این سفر را از برج ثور (دومین برج) شروع می‌کند و به برج حمل پایان می‌دهد.

### پی‌نوشت‌ها

۱. از جمله به این مقالات می‌توان اشاره کرد: «آسیب‌شناسی ساختار شرح‌نویسی در حوزهٔ فهم ادبی (با نگاهی انتقادی به شرح‌های حافظ)» از مهیار علوی مقدم (۱۳۸۹)؛ «آسیب‌شناسی شرح‌نویسی بر متون ادب فارسی» از احمد رضی و زینب رفاهی‌بخش

(۱۳۸۹): «بررسی و تحلیل مقدمه‌ها در شرح‌نویسی بر متون ادبی» از زینب رفاهی‌بخش و احمد رضی (۱۳۸۹); همچنین پایان‌نامه‌هایی مانند: سیر تحول شرح‌نویسی بر متون ادب فارسی از زینب رفاهی‌بخش (۱۳۸۹); نقد شروح بوستان سعدی از بتول حیدری (۱۳۸۸); نقد شروح لیلی و مجنون نظامی از لیلا میرمجریان (۱۳۸۶); بررسی و نقد شروح مخزن‌الاسرار از محسن رستمی (۱۳۹۰).

۲. این معنی در کتاب ادبیات فارسی سال اول دبیرستان (غلامی و ذوالفقاری، ۱۳۹۰: ۴۷) آمده است.

۳. نگارنده برای اطمینان از نتیجه جستجوی خود از سامانه گنجور و نرم‌افزار درج ۴ نیز استفاده کرد.

۴. از بین شرح‌کنندگان عبدالمحمد آیتی در گزیده خود بیت را ذکر نکرده است (آیتی: ۱۳۷۴).

۵. ثروتیان در گزیده خود بیت را ذکر نکرده؛ اما در کتاب آیین غیب، بیت را بدون شرح و معنی آورده است (ثروتیان، ۱۳۶۹: ۲۵۸).

۶. باتوجه به شرح دقیق و کامل مصراع دوم در گزیده پورنامداریان و موسوی، درباره مصراع دوم توضیح داده نمی‌شود. درباره شرح مصراع دوم: ر.ک: پورنامداریان و موسوی، ۱۳۸۹: ۱۳۸.

۷. ایرانیان باستان در اصطلاح، روز اول هر ماه شمسی را هرمزد گویند (ر.ک: ابن‌خلف تبریزی، ۱۳۶۲).

۸. درباره شرح مفصل این بیت ر.ک: پورنامداریان و موسوی، ۱۳۸۹: ۱۳۳ - ۱۳۴۸.

۹. برای علت‌های دیگر تشبیه گل به سرو ر.ک: پورنامداریان و موسوی، ۱۳۸۹: ۱۳۸.

۱۰. در بیتی دیگر می‌گوید:

اعتدال نوبهار خلقت اندر مهرجان      سبزه از آتش دماند آب حیوان از سراب

(همان: ۳۸۶)

## منابع

- ۱- آیتی، عبدالمحمد (۱۳۷۴). گزیده مخزن‌الاسرار (تلخیص، مقدمه، توضیحات)، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۲- ابن‌خلف تبریزی، محمدحسین (۱۳۶۲). برهان قاطع، به اهتمام و حواشی محمد معین، تهران: امیرکبیر.
- ۳- انزابی‌نژاد، رضا (۱۳۷۵). پرده سحر سحری (گزیده مخزن‌الاسرار)، تهران: جامی.
- ۴- ----- (۱۳۷۱). «طرح چند بیت قابل تأمل از مخزن‌الاسرار نظامی»، مجله فرهنگ، وابسته به پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۱۰، ۱۹، ۳۰.
- ۵- انوری ابیوردی، اوحدالدین محمد بن محمد (۱۳۶۴). دیوان، تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، جلد اول (قصاید)، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۶- بیرونی، محمد بن احمد (۱۳۹۲). آثار الباقیه عن القرون الخالیه، ترجمه و تعلیق پرویز سپیتمان (اذکایی)، تهران: نشر نی.
- ۷- ----- (۱۳۱۸). التفهیم لاوائل صناعة التنجیم، تصحیح جلال‌الدین همایی، تهران: انجمن آثار ملی.
- ۸- پورنامداریان، تقی؛ موسوی، مصطفی (۱۳۸۹). گزیده مخزن‌الاسرار نظامی گنجوی (مقدمه، تصحیح و تعلیقات)، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۹- ثروتیان، بهروز (۱۳۶۹). آیین غیب نظامی گنجوی در مثنوی مخزن‌الاسرار، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی کرج و نشر کلمه.
- ۱۰- ----- (۱۳۷۲). گزیده مخزن‌الاسرار، تهران: توس.

- ۱۱- ----- (۱۳۵۱). «بررسی حواشی مرحوم دستگردی بر مخزن الاسرار»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، شماره ۱۰۳، ۳۶۲ - ۳۸۹.
- ۱۲- حیدری، بتول (۱۳۸۸). *نقد شروع بوستان سعدی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- ۱۳- حیدری، علی (۱۳۹۲). «تحلیل ارتباط سنبله و اسد در بیتی از نظامی»، *متن‌شناسی ادب فارسی*، سال چهل و نهم، دوره جدید، سال پنجم، شماره سوم، پیاپی ۱۹، ۱ - ۱۲.
- ۱۴- خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل بن علی نجار (۱۳۷۴). *دیوان*، به کوشش ضیاء‌الدین سجادی، تهران: زوار.
- ۱۵- رستمی، محسن (۱۳۹۰). *بررسی و نقد شروع مخزن الاسرار نظامی گنجوی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- ۱۶- رضی، احمد؛ رفاهی‌بخش، زینب (۱۳۸۹). «آسیب‌شناسی شرح نویسی بر متون ادب فارسی»، *جستارهای ادبی*، شماره ۱۷۱، ۱۴۳ - ۱۶۸.
- ۱۷- رفاهی‌بخش، زینب؛ رضی، احمد (۱۳۸۹). «بررسی و تحلیل مقدمه‌ها در شرح نویسی بر متون ادبی»، *ادب پژوهی*، شماره ۱۱، ۸۷ - ۱۱۷.
- ۱۸- رفاهی‌بخش، زینب (۱۳۸۹). *سیر تحول شرح نویسی بر متون ادب فارسی (۱۳۱۳ - ۱۳۸۷ش)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان.
- ۱۹- زنجانی، برات (۱۳۸۴). *احوال و آثار و شرح مخزن الاسرار نظامی گنجوی*، تهران: دانشگاه تهران.
- ۲۰- سعدی، مصحح‌الدین (۱۳۹۲). *بوستان (سعدی‌نامه)*، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی.
- ۲۱- سلمان ساوجی، خواجه جمال‌الدین (۱۳۳۶). *دیوان*، به اهتمام منصور شفق، با مقدمه تقی تفضلی، تهران: بنگاه مطبوعاتی صفی‌علیشاه.
- ۲۲- علوی‌مقدم، مهیار (۱۳۸۹). «آسیب‌شناسی ساختار شرح نویسی در حوزه فهم ادبی (با نگاهی انتقادی به شرح‌های حافظ)»، *فنون ادبی*، شماره ۲ (پیاپی ۳)، ۶۳ - ۸۰.
- ۲۳- غلامی، الهه؛ ذوالفقاری، سید حسن (۱۳۹۰). *ادبیات فارسی (۱) سال اول دبیرستان*، تهران: فاطمی.
- ۲۴- فضیلت، محمود (۱۳۸۸). «نگاهی به دوزبانگی در واژه‌های مرکب خاقانی»، *بوستان ادب*، دوره اول، شماره اول، پیاپی ۵۵/۱، ۱۶۱ - ۱۷۲.
- ۲۵- فیروزنیا، علی‌اصغر (۱۳۹۵). «جان بری کردن در شعر نظامی (نقد معنای بیتی از داستان خیر و شر)»، *رشد آموزش زبان و ادب فارسی*، دوره ۲۹، شماره ۳، ۱۹.
- ۲۶- قوجه نژاد، علیرضا (۱۳۸۳). «شروع مخزن الاسرار»، *آینه میراث*، دوره جدید، سال دوم، شماره دوم، پیاپی ۲۵، ۹۰ - ۱۰۸.
- ۲۷- ماحوزی، مهدی (۱۳۷۴). *شرح مخزن الاسرار نظامی گنجوی*، تهران: اساطیر.
- ۲۸- ماهیار، عباس (۱۳۸۲). *شرح مشکلات خاقانی (ثری تا ثریا)*، دفتر یکم، تهران: جام گل.
- ۲۹- مایل هروی، نجیب (۱۳۶۹). *نقد و تصحیح متون*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ۳۰- مسعود سعد (۱۳۶۴). *دیوان*، جلد اول، تصحیح سید مهدی نوریان، اصفهان: کمال.
- ۳۱- میرمجربیان، لایلا (۱۳۸۶). *نقد شروع لیلی و مجنون نظامی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.

- ۳۲- میرهاشمی، سید مرتضی (۱۳۹۳). *سرخ گلی غنچه مثال* (گزیده‌ای از مخزن‌الاسرار نظامی)، تهران: نشر علم.
- ۳۳- ناصر خسرو، حکیم ابومعین (۱۳۷۰). *دیوان*، به تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران: دانشگاه تهران.
- ۳۴- نظامی گنجوی (۱۳۸۹). *هفت پیکر*، با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: نشر قطره.
- ۳۵- ----- (۱۳۸۶). *مثنوی مخزن‌الاسرار* (نسخه کامل همراه با شرح گزیده آن)، تصحیح و شرح ناصر نیکوبخت، تهران: نشر چشمه.
- ۳۶- ----- (۱۳۷۹). *مخزن‌الاسرار*، تصحیح حسن وحید دستگردی، تهران: سوره مهر.
- ۳۷- نوروزی، خورشید (۱۳۸۷). «نقد و تحلیل محتوایی شرح‌های مخزن‌الاسرار»، پژوهش‌نامه ادب حماسی، دوره چهارم، شماره ۷، ۱۳۳ - ۱۴۷.
- ۳۸- وحشی بافقی، کمال‌الدین محمد (۱۳۳۹). *دیوان*، ویراسته حسین نخعی، تهران: امیرکبیر.
- ۳۹- همتیان، محبوبه؛ مشاوری، زهره (۱۳۹۳). «مبانی شرح نویسی بر متون ادبی»، پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، شماره ۳۵، دوره ۱۸، ۲۸ - ۵۵.